

بررسی سندی و محتوایی گزاره «بَلْ وَجَدْتُمْ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُمْ»

سید ابوالقاسم حسینی زیدی^۱ / علی اکبر حبیبی مهر^۲

چکیده: در مورد عبارت «إِلَهِي مَا عَبَدْتُمْ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا شَوْقًا إِلَى جَنَّتِكَ، بَلْ وَجَدْتُمْ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُمْ» و انتسابش به امیرمؤمنان علی عليه السلام و اینکه این عبارت حدیث است یا سخنی عارفانه، و نیز در مورد میزان دلالت این گزاره، چندین نظریه در بین حدیث پژوهان دیده می شود. یافته های این نوشتار به روش مسأله محور و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای و روش توصیفی - تحلیلی، نشان می دهد: اولاً این عبارت در کتب فقهی و حدیثی به صورت مرسل بیان شده است و نخستین بار این عبارت را ابن میثم بحرانی نقل کرده و مصداقی از ضرب المثل «رَبِّ مَشْهُورٍ لَا أَصْلَ لَهُ» می باشد. دوم اینکه از نظر محتوایی با رجوع به آیات، روایات و حکم عقل می توان گفت که قصد ثواب، منافات با اخلاص ندارد و اعمالی که به طمع رسیدن به ثواب یا ترس عذاب انجام می پذیرد، می تواند از صفت صحت برخوردار باشد و هیچ مانعی برای پذیرش آنها وجود ندارد. انگیزه های مختلف غیر الهی به حکم عقل در طول انگیزه الهی است و کسانی که تمام عبادات خود را کاملاً برای رضای خدا انجام داده و هیچ حاجتی از خدا نداشتند، کمیابند.

کلید واژگان: عبادت، ترس از جهنم، شوق به بهشت، بررسی سندی، بررسی محتوایی.

* دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰.

۱. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی hoseini.zeidi@razavi.ac.ir

۲. نویسنده مسئول. دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه خراسان aliakbarhabibyimehr@gmail.com

مقدمه

از دیرباز مسأله عبادت و نیایش مورد توجه تمام ادیان الهی بوده است و در دین مبین اسلام و براساس آموزه‌های اسلامی بر توجه به ذات باری تعالی تأکید فراوان شده است. عبادت مصداق خضوع و خشوع در پیشگاه خداوند متعال می‌باشد. در بین عرفای اسلامی توجه به ذات خداوند متعال تأکید می‌شود و اینکه عارف دائماً خود را در محضر حق بداند و توجهی به اطراف و مردم نداشته باشد که چگونه گذران عمر می‌کنند. در این میان جمله مشهوری به امیرمومنان علیه السلام نسبت داده می‌شود که عبادت حضرت بدون توجه به مؤاخذه یا پاداش و تنها برای درک حق بوده است و هنگامی که شخصی به درک مقام ربوبی برسد، دیگر حق را شایسته کرنش و عبادت می‌داند نه این که به خاطر ترسیدن از عقاب یا به دلیل دریافت پاداش عبادت کند.^۱

بعضی از فقیهان امامیه در کتاب الصلاة در باب نیت آن، به این عبارت منسوب به حضرت علی علیه السلام اشاره نموده‌اند و به تحلیل درجات نیت، قصد عمل و این که اگر عمل منضم به هدف دیگری بود و از ترس جهنم یا شوق به بهشت باشد؛ عمل صحیح می‌باشد یا خیر؟ به بحث و بررسی در مورد متن گزاره محل بحث پرداخته‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۳۵)

حال باید دید که اولاً: این سخن مشهور که سندش به امام علی علیه السلام می‌رسد، معتبر است یا کلام مشهوری است که مستند ندارد. ثانیاً: این که محتوای این سخن چه مقدار صحیح می‌باشد و منظور حضرت از این عبارت چیست، با توجه به این که هر انسانی عملی را که انجام می‌دهد باید بر اساس انگیزه‌ای باشد؛ همان طور که در حکمت ۲۳۷ نهج البلاغه چنین آمده است: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَبَلَغُوا عِبَادَةَ النَّجَارِ. وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا

۱. البته این سخن به گونه‌ای دیگر از امام سجاد علیه السلام در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است که فرمود: «إِنِّي أكرهُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ لَا غَرَضَ لِي إِلَّا ثَوَابُهُ، فَأَكُونُ كَالْعَبْدِ الطَّمَعِ الْمُطْمَعِ، إِنْ طَمَعِ عَمَلٍ وَإِلَّا لَمْ يَعْمَلْ. وَأَكْرَهُ أَنْ أَعْبُدَهُ [لَا غَرَضَ لِي] إِلَّا لِخَوْفِ عِقَابِهِ، فَأَكُونُ كَالْعَبْدِ السَّوِّءِ إِنْ لَمْ يَخَفْ لَمْ يَعْمَلْ. قِيلَ لَهُ: فَلِمَ تَعْبُدُهُ؟ قَالَ: لِمَا هُوَ أَهْلُهُ بِأَيَادِيهِ عَلَيَّ وَإِنْعَامِهِ» (حسن بن علی علیه السلام، ۱۴۰۹ق، ص ۳۲۸).

اللَّهِ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ. وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۰)

بنابراین، در این جستار به بررسی عبارت «إِلَهِي مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا شَوْفًا إِلَى جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۱۷۶) می‌پردازیم که آیا نسبت این عبارت به امیرالمؤمنین علیه السلام صحیح می‌باشد؟ و هم‌چنین تا چه اندازه دلالت متن با آیات و روایات سازگار است؟

در بررسی مسئله این مقاله، هیچ پیشینه‌ای پیدا نشد؛ البته مطالبی در جستجوهای اینترنتی به چشم می‌خورد، ولی این مطالب، اصلاً به بررسی سندی و دلالتی این گزاره نمی‌پردازند.

۱. بررسی سندی

درباره این عبارت: «بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» که حدیث است یا سخنی عارفانه، چندین نظریه در بین حدیث پژوهان دیده می‌شود.

عده‌ای از علما قائل به انتساب این عبارت به امیرالمؤمنین علیه السلام شده‌اند؛ از جمله: شهید اول (شهید اول، بی‌تا (الف)، ص ۹۳؛ شهید اول، بی‌تا (ب)، ج ۱، ص ۷۷)، فاضل مقداد (حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۱؛ حلی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۲) و... برای نمونه علامه مجلسی بعد از نقل روایت نهج البلاغه اظهار داشته است: «وَقَالَ علیه السلام فِي مَوْضِعٍ آخَرَ: إِلَهِي مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ عِقَابِكَ وَلَا ظَمْعًا فِي ثَوَابِكَ وَ لَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۱۴).

گروهی از فقهاء صدور آن را مسلم گرفته و به این روایت استدلال کرده‌اند (تبریزی، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۱۱۷).

گروهی این عبارت را در محل بحث نیاورده‌اند، بلکه این عبارت را -آن هم به مضمون نه عین عبارت - متذکر شده‌اند؛ مانند ابن ابی الحدید که در ذیل یکی از شرح جملات خطبه متقین (همام) آورده است: «لم أعبده خوفاً ولا طمعاً لكنني وجدته أهلاً للعبادة فعبدته» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۱۵۷).

برخی مانند شیخ حر عاملی در بابی با عنوان «بَابُ مَا يَجُوزُ قَصْدُهُ مِنْ غَايَاتِ النَّبِيِّ وَ مَا يُسْتَحَبُّ اخْتِيَارُهُ مِنْهَا» بعد از ذکر دو روایت مثل روایت نهج البلاغه و ذکر سند برای آن دو روایت، به ذکر این عبارت محل بحث نمی‌پردازد (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۲).

در کتاب عوالی اللثالی این عبارت ذکر شده است، ولی محقق و مصحح آن گفته است: «بعضی از جملات مشهور مدرکی برای آن‌ها نمی‌توان به دست آورد مگر این کتاب؛ که کتاب مذکور هم از منابع دست اول نمی‌باشد و در نتیجه قابل اعتماد نیست» (ابن ابی‌الجمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۰).

برخی یادآور شده‌اند که شیخ حر عاملی در شرح وسائل چنین گفته است: «این عبارت از طریق شیعه نیست و احتمالاً از عامه نقل شده است» (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۸).

آیت الله خوئی هم همین ادعا را مطرح کرده است (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴۱۶). البته این احتمال با جستجوی نگارندگان در کتب اهل سنت قابل اثبات نیست؛ زیرا که این عبارت در کتب آنان پیدا نشد (نک: نرم‌افزار المكتبة الشاملة).

سید عبد الأعلى سبزواری بعد از ذکر عبارت مورد نظر خاطر نشان می‌کند: «در تفحص‌هایی که انجام دادم این عبارت را از طریق خودمان (یعنی مذهب شیعه) پیدا نکردم و از طرفی دیگر اشکالات دلالی در این سخن وجود دارد مانند...» (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۲۰).

از سخنان عالمان، می‌توان نتیجه گرفت که این عبارت مستند نمی‌باشد، اگرچه عده‌ای از حدیث پژوهان آن را مرسل بیان کرده‌اند. برخی ادعای تواتر آن را هم مطرح کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۶۷۸)، ولی با بررسی می‌توان متوجه شد که در مصادر حدیثی و دست اول ذکر نشده است. شاید نخستین کسی که آن عبارت را ذکر کرده، ابن میثم بحرانی (۶۷۹ یا ۶۹۹ق) است که در ذیل حکمت «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَعْبَةً...» گوید: «أشار إلىها في موضع آخر فقال ﷺ: ما عبدتك...» (ابن میثم، میثم بن علی، ۱۳۷۰ق، ج ۵، ص ۳۶۱).

پس از او با ارسال قاطع، به ترتیب؛ شهید اول (۷۸۶ق) (شهید اول، بی‌تا (الف)، ص ۹۳؛ شهید اول، بی‌تا (ب)، ج ۱، ص ۷۷؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۰۳)، فاضل مقداد (۸۲۶ق) (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۲)، مؤلف عوالی اللثالی (۹۰۱ق)

(احسایی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۰۴، ح ۶۳؛ ج ۲، ص ۱۱، ح ۱۸) و پس از ایشان، به عنوان روایت در کتب فقهی (اردبیلی، بی تا، صص ۴۲۵ و ۶۹۶؛ استرآبادی، ۱۳۹۴ق، ص ۵۶، بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۷۸) و کتب حدیثی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، صص ۱۸۶، ۱۹۷، ۲۳۴؛ ج ۶۹، ص ۲۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۸۱؛ ج ۸، ص ۸۹) جای خود را باز می‌کند. بنابراین، گویا این گزاره، مصداقی از ضرب المثل «رب مشهور لا اصل له» می‌باشد.

۲. بررسی محتوایی

برای فهم بهتر و بیشتر روایت مورد بحث در این مقاله، از آیات قرآن، روایات و عقل استفاده می‌کنیم تا به فهم درست و دقیق مقصود کلام برسیم.

۱-۱. موافقت یا مخالفت با آیات قرآن

قرآن کریم بهترین و والاترین متن اسلامی است که به اجماع کل مسلمین حجت و معتبر است، همان‌گونه که پیامبر اکرم... در حدیث متواتر ثقلین فرمودند: «قرآن و عترت در کنار هم، راه رستگاری هستند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۳۴).

در کنار پیراستگی قرآن از خطا و اشتباه، احادیث متواتر معنوی عرضه (انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۷۰؛ تنکابنی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۰۶؛ ذهنی تهرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۵۷۵) به ما دستور می‌دهد که در اخذ حدیث و شناخت سره از ناسره حتی در غیر روایات متعارض، به قرآن مراجعه کنیم (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۲۶، ح ۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۹، ح ۱، ۳، ۴، ۵؛ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۶۷، ح ۱۶ و...). پس برای فهم دقیق روایت معصومان، به مراجعه به اصل و پایه سخنان ایشان - که همان قرآن است - نیاز داریم. بنابراین باید این سخنان با قرآن سنجیده شود.

فخر رازی ذیل آیه «أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِلِينَ» (أعراف: ۵۵) ادعای اتفاق کرده است که اگر بنده‌ای به طمع رسیدن به ثواب یا دوری از عقاب، عبادتی را انجام دهد، عبادتش باطل خواهد بود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۲۷۹) و معبود اصلی او، همان ثواب و عقاب است نه خداوند (فخر رازی، ج ۳۲، ص ۲۴۲). برخی از فقهای شیعه هم این قول را به اصحاب نسبت داده‌اند (شهید اول، بی تا، ج ۱، ص ۷۷) و بیان داشته‌اند کسی که

چنین قصدی کند قصد رشوه نموده (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۲۰) بلکه به نقل برخی، پاره‌ای این عبادت را شرک‌آلود دانسته‌اند و برای تأیید این نظریه، به روایت مورد بحث استناد کرده‌اند (کاظمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۵).

البته اینکه قصد ثواب، منافات با اخلاص داشته باشد، قابل‌خداشه است؛ همان‌طور که در آیه «إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» (انبیاء، ۹۰) یا آیه «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (سجده، ۱۶) هم آمده است (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۳۱۶؛ جزائری، بی‌تا، ص ۱۹۷). برخی تصریح کرده‌اند: «قصد ثواب، عمل را از جُستن وجه الله خارج نمی‌کند، زیرا ثواب نزد خداست؛ پس جوینده ثواب هم، وجه الله را می‌جوید و این هدف بر عبادت، عیب و نقصی وارد نمی‌کند، چون که کتاب و سنت نسبت به رویدادهای ترساننده، برحذر می‌دارد و نسبت به امور تشویقی، راغب می‌سازد» (کاظمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۵؛ نیز: شهید ثانی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵، ص ۳۵۶).

حتی برخی اظهار داشته‌اند که این مطلب، نظر کسانی است که به حقایق تکالیف و مراتب مردم آگاهی ندارند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۹۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۵۲۳). علاوه بر این، چنین معنایی برای اخلاص تنها برای خواص از بندگان الهی حاصل می‌شود (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۷۸).

از جمله آیاتی که می‌تواند مضمون روایت را تأیید نماید، آیه «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (بینه، ۵) است؛ اینکه اخلاص در دین و عبادت باید برای خصوص ساحت کبریایی باشد بر هر فردی نیز واجب است و به طور اطلاق دین و عبادت خالص اختصاص به منعم حقیقی دارد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۲۳۶). البته خطاب آیه مورد بحث به اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) و مشرکان (مراد دوگانه‌پرستان) است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳۰، ص ۴۰۱) که در دو مقام عبادت و اطاعت دچار شرک جلی بودند (المائدة، ۷۳؛ التوبة، ۳۰ و ۳۱) و براساس برخی روایات منقول در پاره‌ای از تفاسیر، شرک خفی را هم در برمی‌گیرد (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۷۷). ولی نفی هرگونه نیتی حتی نیت ثواب یا

عقاب از آن - بدون اینکه انسان برای کسی ریا کند یا دچار شرک جلی باشد - بعید به نظر می‌رسد؛ مخصوصاً که در برخی از روایات، اخلاص را ایمان به خداوند ﷻ و رسول خدا... و ائمه اطهار علیهم‌السلام مطرح می‌کند (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۷۱۸) و این مطلب، با عبادت برای ثواب یا دوری از عقاب قابل جمع است.

۲-۱. سنجدین با دیگر روایات

تشکیل خانواده حدیثی برای فهم دقیق کلمات صادر شده از معصومان %، بسیار کارگشاست، از این رو که امام رضا علیه‌السلام فرموده‌اند: «إِنَّ كَلَامَ آخِرِنَا مِثْلُ كَلَامِ أَوْلِنَا وَ كَلَامِ أَوْلِنَا مِثْلُ كَلَامِ آخِرِنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۵۰، فیض کاشانی، ۱۳۷۱، ص ۶۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۵۷؛ کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۲۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۱۲۴).

بنابراین فایده مهم تشکیل خانواده حدیثی، روشن شدن مقصود اصلی معصومان است (دلبری، ۱۳۹۱، ص ۷۴۸). از این رو نگارندگان برای سنجش این برداشت (نادرستی اعمال عبادی به طمع ثواب یا ترس از عقاب) سزاوار است دیگر احادیث در این موضوع را نیز بررسی کنند تا چنین استفاده‌ای ارزیابی شود.

روایت اول، حدیثی به سند صحیح^۱ از امام صادق علیه‌السلام است که فرمود: «إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَوْفًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ. وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ. وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ. وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۴).

مقتضای افعال تفضیل، نشان می‌دهد که عبادت به دو گونه اول خالی از فضل نیست، هر چند که مرتبه آنان پایین‌تر است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۳۳۱). بنابراین این حدیث صراحت داشته و نص می‌باشد بر این‌که هر سه گونه از عبادت، صحیح است (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۸۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۶۶).

۱. زنجیره سند عبارت‌اند از: علی بن ابراهیم (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۰)؛ ابراهیم بن هاشم (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۶)؛ بر وثاقت ایشان ادعای اجماع شده است (ابن طاووس، بی‌تا، ص ۱۵۸)، حسن بن محبوب (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۱۲)، جمیل بن دراج (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۸)، هارون بن خارجه (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۳۷) همه راویان امامی و ثقة هستند.

روایات بسیار مشهور به اخبار «من بلغ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، صص ۸۲-۸۰، ح ۹-۱) که ادعای تواتر معنوی آن‌ها بعید نیست (انصاری، ۱۴۰۴ق، صص ۱۴ و ۱۵)، بر درستی عمل به قصد تحصیل ثواب دلالت دارند. برای نمونه از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که می‌فرمود:

«مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلِ الْتِمَاسَ ذَلِكَ الثَّوَابِ، أَوْ تَيْهَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۷)

بنابراین این روایت و مانند آن بر صحت اعمالی که به طمع رسیدن به ثواب می‌باشد دلالت دارد (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۷۸) و آزان رو که کسی از عالمان بین تحصیل ثواب و دوری از عقاب قائل به تفصیل نشده است؛ بنابراین انجام عبادات از ترس عذاب هم صحیح به نظر می‌رسد.

مشروعیت نماز حاجات (نجفی، ۱۳۶۲ق، ج ۱۲، ص ۱۷۶)، نماز استسقاء (نجفی، ۱۳۶۲ق، ص ۱۱۲۷)، نماز استخاره بر اساس برخی از معانی آن (نجفی، ۱۳۶۲ق، ص ۱۵۶) و... - که روایات بسیاری بر آنان دلالت دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، صص ۴۷۳-۴۸۰) - و دعاهای مأثوره در طلب فرزند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، صص ۷-۱۱) و... (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۵۰-۵۶۸) و ادعیه‌ای که در آن‌ها وعد و وعید آمده، برای این‌که در مردم ترغیب انجام طاعات و دوری از معاصی را ایجاد کند، مانند فرازهایی از دعای ابوحمزه ثمالی مانند «أدعوك يا ربّ راهباً راغباً راجياً خائفاً» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۸۴)، دلالت این روایات بسیار زیاد، بر مطلب کاملاً روشن است (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۴). آری ادعیه مأثوره بسیاری که از امام علی علیه السلام و ذریه ایشان وارد شده، ناقض چنین برداشتی - یعنی نادرستی عبادات به طمع ثواب یا دوری از عقاب - است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۲۰).

افزون بر این‌که اولیای الهی برخی از اعمالشان را برای بهشت و دوری از آتش انجام می‌داده‌اند؛ به این دلیل که حبیب آن‌ها، آن را دوست می‌داشت یا به این جهت که به مردم تعلیم دهند که اعمالشان را برای آخرت خالص نمایند (فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۶۳). برای نمونه به سند صحیح^۱ از امام علی علیه السلام روایت شده است که در وصیت‌نامه

۱. زنجیره سند عبارت‌اند از: ابوعلی الأشعری (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۹۲)؛ محمد بن عبد الجبار (طوسی،

خود بر اموالش آورده است: «... هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ وَقَصَى بِهِ فِي مَالِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلَيَّ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ لِيُؤَلِّجَنِي بِهِ الْجَنَّةَ وَيَصْرِفَنِي بِهِ عَنِ النَّارِ وَيَصْرِفَ النَّارَ عَنِّي يَوْمَ تَبْيَضُ وُجُوهُ وُجُوهُ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۹؛ سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۴).

این روایت صراحت دارد که وصایای آن حضرت علیه السلام از برای طمع در بهشت و ترس از آتش بود و این معنی، منافاتی با طلب وجه الله ندارد (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۸۲)؛ زیرا اگر عبادت با این نیت، صحیح نبود، ایشان چنین کاری نمی‌کرد و چنین کلامی را اظهار نمی‌نمود (فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۶۶).

بنابراین براساس صحت سند این روایت و عدم معلومیت سند روایت مورد بحث، این روایت و مانند آن، بر معنای برداشت شده نادرست از روایت محل بحث رجحان دارند (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۸۲) و باطل بودن عبادات با نیت تحصیل ثواب یا دوری از عقاب با روایات بسیاری ناسازگار است که برخی بر این مطلب هم اذعان کرده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۲۰؛ صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۶۹) و حتی پاره‌ای پا را فراتر گذاشته و بر این باورند که عبادت به نیت ثواب یا دوری از عقاب براساس سیره معصومان صحیح است (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۲۰).

۱-۳. سازگاری با ادله عقلی

خداوند متعال به عقل بشری به عنوان پیامبر درونی حجیت بخشیده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۲) و در قرآن کریم به اندیشیدن و تعقل فرمان داده است؛ لذا حکم عقل مورد قبول شارع است و عقل سلیم و صحیح یکی از بهترین ابزار در جهت فهم دقیق و صحیح روایات معصومان می‌باشد. عقل از دو جهت می‌تواند ما را در جهت فهم معنای روایت یاری رساند:

۱. هر عاقلی بدون اینکه قصد و هدفی از عمل داشته باشد، عملی را انجام نمی‌دهد و اهداف عبادت به دو مورد محدود می‌شود:

۱۳۷۳، ص ۳۹۱)، صفوان بن یحیی (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۰)، عبد الرحمن بن الحجاج (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۸) همه راویان امامی و ثقه هستند.

الف) غایت مترتب بر فعل، به خود فاعل برگشت نکند بلکه تنها رجوع به معبود کند و مکلف بدون چشم داشت به حور و قصور و طمع در بهشت و ترس از جهنم - و در کل قصد هیچ منفعتی از منافع دنیوی و اخروی را نداشته باشد - عبادات را انجام بدهد؛ این قسم از عبادت تنها از معصومان و بندگان خاص الهی صادر می‌شود و روایت امیرمومنان علیه السلام هم اشاره به همین قسم دارد.

ب) غایت مترتب بر فعل، به خود فاعل برگشت کند خواه بخواهد اخروی باشد مانند طمع در بهشت و ترس از دوزخ و خواه دنیوی باشد مانند روزه گرفتن به امید رسیدن به پول که در این صورت‌ها هم عقل هیچ مانعی برای پذیرش و قبول عمل عبادی نمی‌بیند و شرع هم که از این حکم عقل نهی نکرده است (نک: خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴۱۶؛ فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۶۳).

۲) انسان برای يك کار انگیزه‌های متفاوتی دارد و این انگیزه‌ها گاه در طول یکدیگرند و گاه در عرض یکدیگر. انگیزه‌هایی که در عرض یکدیگرند، در اینجا محل بحث ما نیستند؛ اما انگیزه‌هایی که در طول یکدیگر هستند مثل اینکه برای انجام کاری انگیزه‌ای داریم، و برای این انگیزه داعی دیگری وجود دارد، و برای داعی دوم ممکن است انگیزه سومی باشد، که این سه داعی و انگیزه در طول یکدیگرند (نک: سبحانی، ۱۴۲۴ق، ص ۸۴۰).

در عبادات نیز غالباً انگیزه‌های مختلف غیر الهی در طول انگیزه الهی دیده می‌شود و کسانی که تمام عبادات خود را به طور کامل برای رضای خدا انجام دهند و هیچ حاجت و درخواستی از او نداشته باشند کمیابند؛ یعنی کسی که مصداق این جمله مورد بحث باشد: «تنها انگیزه‌ام از عبادت این است که تو را شایسته عبودیت یافتم» کم یافت می‌شود. بنابراین انگیزه‌های مختلفی برای عبادت وجود دارد، که برخی از آنها مادی و برخی هم معنوی می‌باشد؛ و گاه انگیزه‌ها، مخلوطی از انگیزه‌های مادی و معنوی است؛ مثلاً شخصی که به زیارت یکی از معصومان علیهم السلام مشرف می‌شود، و او را برای خدا زیارت

۱. مثل اینکه انگیزه شخصی در پیاده طی کردن مسیر منزل تا محل کار، امور مختلفی است، که در عرض یکدیگرند: الف. صرفه جویی در مخارج، ب. دیدار برخی از دوستانی که در مسیر راه هستند، ج. خرید کالاهای مورد نیاز که در مسیر راه است.

می‌کند، گاه انگیزه‌اش نورانیت و صفای باطن است، و در پاره‌ای از اوقات شفای بیماری خود یا نزدیکانش می‌باشد، و گاه استمداد جستن از آن ولی الله برای شفاعت در پیشگاه خدا، جهت پرداخت بدهی‌هایش. اینها همه از قبیل داعی بر داعی است، و هیچ کس نمی‌تواند تمام این زیارات را باطل بدانند زیرا خود شارع مقدس و ائمه علیهم‌السلام اینها را به ما تعلیم داده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص ۶۸؛ آملی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۶۲).

۳. جمع بندی

با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان به نتایج ذیل دست پیدا کرد:

۱. عده‌ای عبارت «إِلَهِي مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا شَوْقًا إِلَى جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» را به عنوان روایت در کتب فقهی و حدیثی خود به صورت مرسل بیان کرده‌اند و حتی برخی ادعای تواتر آن را هم مطرح کرده‌اند؛ ولی با بررسی معلوم شد که این گزاره در مصادر حدیثی و دست‌اول ذکر نشده است. بلکه نخستین کسانی که این عبارت را ذکر کرده‌اند، به ترتیب، ابن میثم بحرانی، شهید اول، فاضل مقداد و مؤلف عوالی اللئالی این عبارت را به صورت مرسل بازتاب می‌دهند و در نتیجه این گزاره، مصداقی از ضرب المثل «رب مشهور لا اصل له» می‌باشد.

۲. آیه‌های ۹۰ سوره انبیاء و ۱۶ سوره سجده، نشان‌گر آن است که قصد ثواب، منافات با اخلاص ندارد و با توجه به مراتب مردم و حقایق تکالیف قطعاً عبادت خالص تنها برای خواص از بندگان الهی حاصل می‌شود.

۳. با تشکیل خانواده حدیثی می‌توان به این فهم دست یافت که اعمالی که به طمع رسیدن به ثواب و عباداتی که از ترس عذاب انجام می‌پذیرد، می‌تواند از صفت صحت برخوردار شوند. ادعیه مأثوره بسیاری برداشت نادرستی عبادات به طمع ثواب یا دوری از عقاب را نقض می‌کند؛ افزون بر این که اولیای الهی برخی از اعمالشان را برای بهشت و دوری از آتش انجام می‌داده‌اند.

۴. عقل سلیم و صحیح یکی از بهترین ابزار در جهت فهم دقیق و صحیح روایات معصومین می‌باشد و حکم عقل نیز مورد قبول شارع است؛ در جایی که عقل هیچ مانعی

برای پذیرش و قبول عملی که به طمع رسیدن به بهشت و ترس از دوزخ نمی‌بیند، عبادتی که با این انگیزه انجام بپذیرد، قابل قبول خواهد بود و شرع هم که از این حکم عقل نهی نکرده است. همچنین عقل حکم می‌کند: عبادات غالباً دارای انگیزه‌های مختلف غیر الهی در طول انگیزه الهی هستند و کسانی که تمام عباداتشان را به طور کامل برای رضای خدا انجام دهند و هیچ حاجتی از او نداشته باشند؛ کمیابند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغة.

التفسير المنسوب الى الامام الحسن العسكري عليه السلام، تحقيق: مدرسة امام مهدي عليه السلام، قم، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۹ق.

آملی، میرزا هاشم، المعالم المأثورة، مقرّر: محمد علی اسماعیل پور قمشه‌ای، قم، ۱۴۰۶ق.

ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة لابن‌ابی‌الحدید، تحقیق: محمد أبو‌الفضل إبراهیم، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ق.

ابن طاووس، علی، فلاح السائل، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی‌تا.

ابن میثم، میثم بن علی، شرح نهج البلاغة، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ش.

احسائی، ابن‌ابی‌جمهور، عوالي اللئالی، قم، دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق.

اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان، المكتبة الجعفرية لإحياء الآثار الجعفرية، بی‌تا.

استرآبادی، محمد، آیات الأحكام، کتابفروشی معراجی، تهران، ۱۳۹۴ق.

انصاری، مرتضی، فرائد الأصول، پنجم، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم، ۱۴۱۶ق.

انصاری، مرتضی، رسالة فی التسامح فی ادلة السنن، مجموعه رسائل فقیهه و اصولیه، به کوشش عباس حاجیانی، قم، ۱۴۰۴ق.

آقا جمال خوانساری، محمد، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح: جلال‌الدین ارموی حسینی، چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.

بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.

بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۱۵ق.

بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۶۶ش.

برقی، احمد، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

تبریزی، میرزا فتح شهیدی، هدایة الطالب إلي أسرار المکاسب، تبریز، چاپخانه اطلاعات، ۱۳۷۵ق.

- تنکابنی، محمد، **إيضاح الفرائد**، تهران، مطبعة الاسلامیة (اخوان کتابچی)، ۱۳۸۵ق.
- جزائری، عبد الله بن نور الدین، **التحفة السنیة فی شرح النخبة المحسنیة**، تهران، بی تا.
- حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- حسینی همدانی، محمد، **انوار درخشان در تفسیر قرآن**، محقق: محمدباقر بهبودی، تهران، انتشارات لطفی، ۱۴۰۴ق.
- حکیم، سید محسن طباطبایی، **مستمسک العروة الوثقی**، قم، ۱۴۱۶ق.
- حلی، مقداد بن عبد الله، **التفحیح الرائع لمختصر الشرائع**، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- حلی، مقداد بن عبد الله، **کنز العرفان**، قم، انتشارات مرتضوی، ۱۴۲۵ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، **موسوعة الإمام الخوئی**، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، **مصباح الفقاهة**، تقریر: محمد علی توحیدی، بی تا.
- دلبری، سید علی، **آسیب شناسی فهم حدیث**، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱ش.
- ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، **تشریح المقاصد فی شرح الفرائد**، قم، نشر حاذق، ۱۴۰۵ق.
- سبحانی، جعفر، **المواهب فی تحریر أحكام المكاسب**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۴ق.
- سبزوار، سید عبد الأعلى، **مهذب الأحكام**، قم، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله، ۱۴۱۳ق.
- شهید اول (عاملی)، محمد بن مکی، **القواعد والفوائد**، تحقیق: سید عبد الهادی حکیم، قم، بی تا.
- شهید اول (عاملی)، محمد بن مکی، **ذکر الشیعة**، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۹ق.
- شهید اول (عاملی)، محمد بن مکی، **رسائل الشهید الأول**، بی تا.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، **روض الجنان فی شرح إرشاد الأذنان**، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، ۱۴۰۲ق.
- صدر، سید محمد، **ما وراء الفقه**، تحقیق و تصحیح: جعفر هادی دجیلی، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰ق.
- صدوق، محمد بن علی، **الامالی**، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، **عروه الوثقی**، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۱۹ق.
- طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
- طبرسی، احمد، **الإحتجاج**، تصحیح: محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- طریحی، فخر الدین، **معجم البحرین**، تصحیح: احمد حسینی اشکور، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- طوسی، محمد بن حسن، **رجال الطوسی**، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، جماعة المدرسین، ۱۳۷۳ش.
- طوسی، محمد بن حسن، **فهرست الطوسی**، تحقیق: عبد العزیز طباطبایی، قم، مکتبه المحقق الطباطبایی، ۱۴۲۰ق.
- طوسی، محمد بن حسن، **مصباح المتهجد**، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة، ۱۴۱۱ق.

عاملی، سید محمد حسین ترحینی، **الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية**، قم، دار الفقه للطباعة والنشر، ۱۴۲۷ق.

فخر رازی، محمد بن عمر، **التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
فیض کاشانی، محمد محسن، **الشافی فی العقائد و الأخلاق و الأحکام**، تهران، دار نشر اللوح المحفوظ، ۱۴۲۵ق.

فیض کاشانی، محمد محسن، **الوافی**، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
فیض کاشانی، محمد محسن، **نوادیر الاخبار**، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱ش.
کشی، محمد، **رجال الکشی**، مشهد، ۱۴۰۹ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
مازندرانی، محمد صالح، **شرح الکافی**، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، تهران، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ق.
مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار**، تحقیق: سید ابراهیم میانجی و محمد باقر بهسودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

مجلسی، محمد باقر، **مرآة العقول**، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی تهران، دار احیاء الكتاب الاسلامیة، ۱۴۰۴ق.

مجلسی، محمد تقی، **روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه**، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.

مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۱ش.

مکارم شیرازی، ناصر، **حیله‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح**، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۸ق.

نجاشی، احمد، **رجال النجاشی**، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین، قم، ۱۳۶۵ش.

نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام**، تحقیق: عباس قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ش.